



گفت‌وگو با دکتر «زهرا کریمی» عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

## دو روند متضاد باهم

دکتر زهرا کریمی عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که دولت کارآمد زمینه‌ساز یک اقتصاد پویا و موفق است و آنگاه که دولت، دولت کارآمدی نباشد و فضای کسب‌وکار پرخطر باشد، کسی گرایشی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا نخواهد داشت. دولت ناکارآمد می‌تواند علائم مثبت بازار را از بین ببرد و فعالیت‌های اقتصادی را دچار انحراف کند. در شرایط خاص و بحرانی، دولت‌ها باید در بازارها مداخله کنند، اما در شرایط ممکن باید مداخله کم شود وگرنه مداخله مداوم دولت در بازار می‌تواند انحرافات جدی ایجاد کند. او همچنین می‌گوید که زمانی فقر واقعاً کاهش پیدا می‌کند که اقتصاد خوب کار کند، فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد شود و سطح مزدهای واقعی افزایش یابد، اما در شرایط برعکس همواره فقر گسترش پیدا می‌کند. اینکه در کشور با وجود این همه متولیان، نهادها و سازمان‌ها که می‌خواهند به فقر رسیدگی کنند و فقر همچنان افزایش می‌یابد، نشان‌دهنده این است که دو روند متضاد در کشور در کنار هم عمل می‌کنند. در کشور ما در کنار فقرزدایی، روندهای خیلی جدی فقرزایی وجود دارد که متأسفانه در دهه‌های اخیر به‌رغم این همه شعارهای عدالت‌محور و مقابله با فقر، فقر رو به افزایش بوده است. اقتصاد ایران به ثبات و آرامش و فضای کسب‌وکار مناسب در عرصه داخلی و تنش‌زدایی و بهبود روابط تجاری در عرصه بین‌المللی نیازمند است. چنین تحولی شرط لازم برای گام برداشتن در مسیر بهبود رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری است، هر چند شرط کافی برای کاهش نابرابری، داشتن قوانین مناسب برای توزیع مجدد درآمد و اجرای کارآمد آن است. شرح کامل این گفت‌وگو در ادامه آورده شده است.



♦♦ دولت چگونه می‌تواند تضمین‌کننده رقابت سالم در بازارها و رفاه حداکثری شهروندان باشد؟

دولت یکی از نهادهای مهمی است که می‌تواند کارآمدی بازار را تضمین کند. تا زمانی که دولت کارآمدی وجود نداشته باشد، قطعاً بازار کارآمدی هم وجود نخواهد داشت. تجربه بی‌ثباتی‌ها، هرج‌ومرج‌ها و فساد در کشورهای آفریقایی و در کشورهایی که دولت ناکارآمد است نشان می‌دهد که اقتصاد هم دچار شکنندگی می‌شود و عملاً از رشد بازمی‌ماند. دولت کارآمد از طریق روش‌های زیر تضمین‌کننده موفقیت بازار است:

- ایجاد امنیت، قوه قضاییه سریع، سالم و در دسترس،  
- جلوگیری از شکل‌گیری انحصارهای قدرتمندی که راه را بر فعالیت بخش خصوصی می‌بندند،  
- ایجاد روابط بین‌المللی روان و مناسب که هم تکنولوژی موردنیاز تأمین بشود و هم امکان دسترسی به بازارهای صادراتی وجود داشته باشد.

بنابراین چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی، دولت نقش بسیار بسیار مهمی در فراهم آوردن زمینه فعالیت بخش خصوصی دارد تا زمانی هم که بخش خصوصی خوب کار کند اقتصاد حرکت مناسبی دارد، سطح درآمد، سرمایه‌گذاری و تولید و ... به‌صورت مثبتی رشد می‌کند و اقتصاد به‌اصطلاح روی ریل خود قرار گرفته و راحت به جلو می‌رود، اما وقتی که دولت، دولت کارآمدی نباشد و فضای کسب‌وکار پرخطر باشد در این صورت کسی گرایشی به سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا نخواهد داشت و همه می‌خواهند پول خود را زیر سرشان نگه‌دارند؛ برای اینکه نسبت به آینده نگران هستند. بنابراین قطعاً دولت کارآمد زمینه یک اقتصاد پویا و موفق است. بالعکس دولتی که کارآمد نیست، می‌تواند علائم مثبت بازار را از بین ببرد و فعالیت‌های اقتصادی را دچار انحراف کند.

♦♦ مداخله دولت در بازار رقابتی چگونه موجب برهم خوردن سیستم قیمتی و از بین رفتن تخصیص بهینه منابع می‌شود؟

مداخله دولت در بازارها در مقاطعی ضروری است؛ برای مثال در شرایط خشک‌سالی، جنگ، در شرایطی که عرضه کالا فوق‌العاده کم می‌شود و به گروه‌های آسیب‌پذیری فشار کمرشکنی وارد می‌آید، در این موارد دولت‌ها در بازار مداخله و قیمت‌گذاری می‌کنند، اما وقتی دولت قیمت پایینی برای کالاها ضروری تعیین می‌کند، قطعاً در کنار توزیع بر اساس قیمت‌های تعیین شده، بازار سیاه هم ایجاد می‌شود؛ چون وقتی قیمت پایین است و به‌اندازه کافی کالا وجود ندارد یک عده‌ای هستند که می‌توانند با

دولت یکی از نهادهای مهمی است که می‌تواند کارآمدی بازار را تضمین کند. تا زمانی که دولت کارآمدی وجود نداشته باشد، قطعاً بازار کارآمدی هم وجود نخواهد داشت. تجربه بی‌ثباتی‌ها، هرج‌ومرج‌ها و فساد در کشورهای آفریقایی و در کشورهایی که دولت ناکارآمد است نشان می‌دهد که اقتصاد هم دچار شکنندگی می‌شود و عملاً از رشد بازمی‌ماند.

قیمت‌های بالاتری کالای کمیاب را به دست بیاورند. در مجموع در شرایط خاص و بحرانی دولت‌ها باید در بازار مداخله کنند، ولی هر زمان که امکانش وجود دارد باید مداخله کم شود وگرنه مداخله مداوم دولت در بازار می‌تواند انحرافات جدی ایجاد کند. همان‌طور که خدمتتان عرض کردم، کنترل قیمت‌ها از یک‌سو بازار سیاه و کمیابی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. با عدم‌مداخله دولت در شرایطی که کشور ما ۱۰ سال در تحریم است، قطعاً بیشترین هزینه متوجه مردم کم‌درآمد خواهد شد. بهترین راهی که دولت می‌تواند به اقتصاد کمک کند، این است که سعی کند تحریم‌ها را برطرف کند و اقتصاد را به حالت عادی خود برگرداند که نیازی به مداخله دولت در اقتصاد و در قیمت‌ها وجود نداشته باشد وگرنه وقتی وضع بحرانی است، اگر دولت مداخله نکند به معنی این است که هزینه اصلی را باید مردم کم‌درآمد تحمل کنند.

♦♦ سیاست‌های مختلفی برای پایان دادن به فقر تدوین شده است و سازمان‌های متعددی با مأموریت کاهش فقر ایجاد شده است، اما چرا فقر نه‌تنها کاهش پیدا نکرده بلکه روند افزایشی آن تداوم هم یافته است؟



وقتی اقتصاد در بحران است، دولت‌ها در اقتصاد مداخله کرده و تلاش می‌کنند که بار سنگینی به دوش اقشار کم‌درآمد تحمیل نشود، ولی مسلماً در شرایط بحرانی، اقتصاد خوب عمل نمی‌کند. همواره با کنترل‌های قیمتی فقر ادامه پیدا می‌کند. زمانی فقر واقعاً کاهش پیدا می‌کند که اقتصاد خوب کار کند، فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد شود، میزان تولید و درآمد سرانه واقعی افزایش پیدا کند، اما در شرایط رکود تورمی برعکس، همواره فقر گسترش پیدا می‌کند. این که در کشور، این همه نهادها و سازمان‌های مختلف متولی فقر داریم که می‌خواهند به فقرا رسیدگی کنند ولی همین‌طور فقر افزایش پیدا می‌کند. این تضاد نشان‌دهنده وجود دو روند متضاد در کشور در کنار هم است:

۱. اجرای سیاست‌های فقرزدایی از طریق سازمان‌هایی همچون کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و انواع و اقسام خیریه‌ها که در حال کمک به مردم هستند تا مردم از خط فقر نجات پیدا کنند،  
۲. روندهای دیگر که فقرزدایی می‌کنند؛ مثل از بین رفتن فرصت‌های شغلی، افزایش مشاغل موقت با دستمزدهای پایین، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، افزایش اجاره‌بها و مواردی این‌چنینی که مردم را به فقر سوق می‌دهد و گروه‌های متوسط را به زیر سطح فقر سوق می‌دهد.

لذا تا زمانی که اقتصادمان خوب کار نکند، با صرف داشتن نهادهایی مانند کمیته امداد نمی‌توانیم با فقر مقابله کنیم؛ این اقتصاد توان ایجاد درآمد کافی برای مردم کشور را ندارد، به علاوه نهادهای حمایتی نیز خودشان به بودجه دولت وابسته‌اند و کمک دریافت می‌کنند. سازمان بهزیستی که کل بودجه‌اش مربوط به دولت است، ولی کمیته امداد کمک‌هایی از دولت دریافت می‌کند.

اگر هزینه‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از درآمدهای دولت فراتر باشند- مثل یارانه‌های نقدی که زمان آقای احمدی‌نژاد به مردم پرداخت شد- این موضوع خود سبب افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. خیلی وقت‌ها این کسری بودجه مبنایی برای افزایش حجم پول است که به تورم دامن می‌زند؛ به عبارتی از یک‌سو، از طریق بودجه‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به مردم کمک می‌شود و از طرف دیگر در اثر کسر بودجه و خلق پول بر روی آتش تورم بنزین ریخته می‌شود و تمام آثار مثبت حمایت از فقرا از بین می‌رود.

در شرایطی که قیمت یک شانه تخم‌مرغ حدود ۱۰۰ هزار تومان شده و همه چیز وحشتناک گران شده است؛ دولت به مردم یارانه نقدی می‌دهد. یارانه نقدی چطور می‌تواند به مردم کمک کند، وقتی به همان اندازه یا بیش از آن، قیمت کالاهای اساسی، اجاره خانه و غیره به شدت افزایش پیدا کرده است؟

در مجموع در کشور ما در کنار فقرزدایی، روندهای خیلی جدی فقرزدایی وجود دارد. متأسفانه در دهه‌های اخیر به‌رغم این‌همه شعارهای عدالت محور و مقابله با فقر، فقر در کشور ما رو به افزایش بوده است.

### ◆ تحلیل شما از نابرابری در توزیع درآمد در کشور چیست؟

در وضعیت رکود تورمی اقشار کم‌درآمد به شدت آسیب می‌بینند ولی صاحبان دارایی شاهد افزایش سریع قیمت دارایی‌هایشان هستند. بنابراین بدیهی است که در چنین شرایطی نابرابری در کشور به سرعت افزایش پیدا کند. طی ده سال گذشته تولید ملی و درآمد سرانه کاهش یافته و نابرابری عمیق‌تر شده است. بی‌تردید نتیجه‌ی این وضعیت گسترش سریع فقر و سقوط گروهی از خانوارهای متوسط‌الحال به زیر خط فقر است. راه‌کار مقابله با فقر و نابرابری افزایش سرمایه‌گذاری است. ولی متأسفانه در دهه‌ی اخیر سرمایه‌گذاری روندی منفی یافته و امروزه حتی سرمایه‌گذاری در کشور پاسخ‌گوی استهلاک نیست. تداوم این روند به معنای کاهش تولید، از میان رفتن فرصت‌های شغلی مولد و کاهش درآمد واقعی و فقر بخش بزرگی از مردم کشور است. همان‌گونه که در قسمت‌های پیشین اشاره کردم اقتصاد ایران به ثبات و آرامش و فضای کسب‌وکار مناسب در عرصه‌ی داخلی و تنش‌زدایی و بهبود روابط تجاری در عرصه‌ی بین‌المللی نیازمند است. چنین تحولی شرط لازم برای گام برداشتن در مسیر رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری نیز خواهد بود. هر چند شرط کافی برای کاهش نابرابری داشتن قوانین مناسب برای توزیع مجدد درآمد و اجرای کارآمد آن است.

### ◆ به نظر شما مهم‌ترین اصلاح اقتصادی که تبعات سیاسی کمتری دارد و بویژه از رانت‌جوگیری می‌کند، چیست؟

به اعتقاد من مهم‌ترین اصلاح اقتصادی در کشور در قدم اول؛ حل مشکل تنش‌های بین‌المللی است و گرنه کشور ما روزبه‌روز در عرصه‌ی تجارت بین‌الملل بیشتر

#### تا زمانی که

اقتصادمان خوب

کار نکند، با صرف

داشتن نهادهایی

مانند کمیته امداد

نمی‌توانیم با

فقر مقابله کنیم؛

این اقتصاد توان

ایجاد درآمد کافی

برای مردم کشور

را ندارد، به علاوه

نهادهای حمایتی

نیز خودشان به

بودجه دولت

وابسته‌اند و

کمک دریافت

می‌کنند. سازمان

بهزیستی که کل

بودجه‌اش مربوط

به دولت است،

ولی کمیته امداد

کمک‌هایی از

دولت دریافت

می‌کند.





موارد در جریان دریافت مجوز با فساد مواجه می‌شود و در بسیاری از مواقع سرمایه‌گذاری که با انرژی وارد یک عرصه شده بعد از مدتی تصمیم می‌گیرد که سرمایه‌گذاری را رها کند و این همه مشکلات را به جان نخرد!

همان‌طور که اشاره شد برای اینکه اقتصادمان رونق پیدا کند به یک قوه قضاییه‌ی کارآمد نیاز داریم. کسی که در کشور کار می‌کند و با مشکلی روبه‌رو می‌شود باید مطمئن شود که حق و مالکیتش از بین نمی‌رود؛ متأسفانه نگرانی‌های سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد قوه قضاییه بسیار زیاد است.

درمجموع برای بهبود وضعیت اقتصادی علاوه بر بهبود روابط خارجی، بهبود در فضای کسب‌وکار داخل کشور از طریق، اجرای قوانین و مقررات ساده‌تر، قوه قضاییه و دستگاه‌های اجرایی کارآمدتر و کاهش فساد ضروری است. من می‌دانم که بخش خصوصی تا چه حد تحت فشار دستگاه‌ها و ادارات مختلف قرار دارد. قطعاً بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی از این مشکلات به‌خوبی خبر دارند و برای حل آن‌ها تلاش می‌کنند. ♦♦

تحت فشار قرار خواهد گرفت. در حال حاضر ما از نظر درآمد نفت، پتروشیمی و صادرات فلزات اساسی دچار مشکل هستیم، چون به‌طور طبیعی نمی‌توانیم به کشورهای مختلف جهان صادرات داشته باشیم و از طریق تخفیف‌های خیلی جدی، میزان نامناسبی از آنچه علاقه‌مندیم صادر کنیم را با قیمت‌های کمتر صادر می‌کنیم و در مقابل واردات ما با هزینه خیلی بیشتر انجام می‌شود و حتی ممکن است واردات کالاها با کیفیت موردنظر انجام نشود.

درمجموع تجارت خارجه فوق‌العاده برای ما پرهزینه شده است، درصورتی‌که هیچ اقتصادی نیست که از تجارت خارجی بی‌نیاز باشد. لذا قدم اول برای بهبود وضعیت اقتصادی حل مشکل تحریم‌ها است که تردیدی در این موضوع نیست و این مورد شرط لازم برای بهبود وضعیت اقتصادی است، اما شرط کافی آن مقابله با این همه بگیروبنند در سرمایه‌گذاری‌های داخل کشور است؛ کسی که می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند با محدودیت‌های مختلف در انواع و اقسام ادارات مواجه است که باید شخص سرمایه‌گذار به ادارات متعددی مراجعه کند و مجوز بگیرد. متأسفانه در اکثر